

### متن پرسش

با سلام و احترام استاد، بنده چند سال هست که درگیر سرطان هستم و در این مدت به طور پیوسته درمان های سخت و سنگین انجام دادم، بارها مرگ رو احساس کردم ولی خواست خداوند اینچنین نبود. قبل از ابتلا به سرطان ورزشکار و پرنرژی بودم اما مدتی بخاطر بیماری های دیگر و ناراحتی های مرتبط دچار افسردگی شدم و به نوعی تضادهای فکری داشتم و دنیا رو کافی نمی دونستم اما برای رسیدن به حقیقت سردرگم بودم. از لحاظ اعتقادی ادعایی ندارم ولی قبل و حین بیماری به اصولی پایبندم و حداقل می توان گفت به لطف خدا محبت اهل بیت از کودکی در دلم هست (هرچند در عمل ازشون فاصله داشتم) مدتی قبل هم با یک شخص قابل اعتماد و آگاه به علوم غریبه دیدار داشتم و اعتقاد به وجود طلسم داشتند و راهکارهای شرعی بیان کردند. به هر حال و به هرعلتی این ابتلا به بنده رسیده و صلاح خدا اینگونه بوده و بنظرم علت اصلی ینک نوع ضعف در خودم بوده. پرسش بنده از جنابعالی این است که در این شرایط چگونه می توانم از این سختی ها بهترین بهره را ببرم؟ گاهی اوقات خیلی نگرانم نکنه گناهی کرده باشم که مستحق این ابتلا شدم. و همچنین دغدغه ی کار و فراهم نبودن شرایط تشکیل خانواده و عقب افتادن در زندگی دارم. البته در این مدت نشانه ها و خواب هایی دیدم که به عنایت و خیرخواهی خدا باور دارم. ممنون میشم راهنماییم کنید. موفق باشید. التماس دعا

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: به نظر می آید اگر در همین سختی ها، عمق معارف توحیدی خود را بیفزائید، با جهانی بس گشوده و متعالی روبه رو می شوید. تا آنجایی که به گفته جناب مولوی انسان در شرایطی قرار می گیرد: «زیر دریا خوش بود یا روی آن / مهر او دلکش بود یا قهر آن». بنابراین سلامتی جسم و بیماری جسم تفاوتی نخواهد کرد. معارفی مانند «معرفت نفس» از این جهت نقشی اساسی دارد. موفق باشید